

تجزیه و تحلیل عناصر داستانی امیرارسلان

براساس تئوری ایان وات در تطبیق بر عناصر مصور هزار و یک شب

چکیده

قصه امیرارسلان یکی از زیباترین داستان‌های ایرانی است. واکاوی عناصر این داستان می‌توان نکات مهمی را در خصوص سیر تحول داستان در ادبیات ایران آشکار سازد. هر داستان عناصری دارد که در رابطه‌ای پیوسته کل داستان را می‌سازند. این پژوهش بر آن است که عناصری چون پی‌رنگ، شخصیت و شخصیت‌پردازی، زاویه دید، صحنه، درون‌مایه، توصیف و گفتگو را براساس نظریه ایان وات در داستان امیرارسلان ارزیابی و تحلیل کند. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است. براساس این ارزیابی قصه امیرارسلان پی‌رنگی سست و تقلیدی داشته و بر عنصر داستان تأکید دارد؛ یعنی حوادث داستان یکی پس از دیگری برای امیرارسلان به وجود می‌آیند. قهرمان این داستان، امیرارسلان و ضدقهرمانان آن قمر وزیر و فولادزره و مادر فولادزره و... هستند که اغلب به صورت کلی و با ویژگی‌های منحصربه‌فرد توصیف می‌شوند. شرح کلیات باعث بی‌توجهی به بُعد زمان و مکان در این قصه شده است. زمان کلی با عبارت‌هایی چون در برآمدن آفتاب جهانتاب، منهدم شدن سپاه انجم و... بیان می‌شود و توصیفات مکان نیز کلی است. داستان از زاویه سوم‌شخص مفرد روایت می‌شود و راوی به همه چیز اشخاص آگاهی کامل دارد. در این اثر روابط علی و معلولی کم‌رنگی داریم. در این قصه به کلیات توجه شده است؛ اشخاص بسیار کلی توصیف می‌شوند، زنان هویت خاصی ندارند و برای صحنه‌های عشقی توصیف می‌شوند. در نسخه مصور داستان هزارویک شب نیز شاهد حضور زنان در صحنه‌های دریاری هستیم.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی عناصر در قصه امیرارسلان براساس نظریه ایان وات.

۲. بررسی عناصر داستانی در نوع داستان کهن و تطبیق با نسخه مصور هزار و یک شب.

سؤالات پژوهش:

۱. عناصر داستانی در قصه امیرارسلان براساس نظریه ایان وات چگونه است؟

۲. عناصر داستانی در قصه امیرارسلان و تطبیق با نسخه مصور هزار و یک شب چگونه است؟

کلیدواژه‌ها: عناصر داستانی، قصه امیرارسلان، نظریه ایان وات، نسخه مصور هزار و یک شب.

مقدمه

هر داستان عناصری دارد که در رابطه‌ای منسجم، کل داستان را می‌سازند. این پژوهش تلاش می‌کند تا عناصری چون پی‌رنگ، شخصیت، زمان و مکان و... را بر اساس نظریه‌ی ایان وات در داستان امیرارسلان بررسی و تحلیل کند. ایان وات به جزئی‌نگری توجه خاصی دارد و این نگرش او الهام گرفته از فلسفه‌ی دکارت و لاک پایه‌گذاری شده است؛ درواقع اساس نظریه‌ی او بر جزئی‌نگری و تأکید بر خاص‌های زندگی است. وات ادبیات روایی کهن و قصه‌ها را بر مبنای پیروی از پی‌رنگ حماسه‌ها و افسانه‌های قدیم و رعایت مختصات آن نوع ادبی محک می‌زند. بر این مبنا قصه امیرارسلان پی‌رنگی ضعیف و تقلیدی و بر پایه‌ی پیروی از پی‌رنگ حماسه‌ها و افسانه‌های قدیم است و معمولاً بر عنصر داستان تأکید دارد و قهرمان و ضدقهرمان با ویژگی‌های منحصر به فرد می‌آفرینند. در این اثر شرح، کلیات باعث بی‌توجهی به بُعد زمان و مکان شده است. در داستان امیرارسلان به شرح کلیات شخصیت‌ها توجه شده است. به عبارتی می‌توان گفت که برخورد خاص گرایانه به شخصیت نداریم. نکته‌ی قابل تأمل دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد؛ توجه به هویت فردی است؛ به عبارتی تحول شخصیت در طول زمان؛ اما در این اثر توجه به حقایق جاودانه اخلاقی و نبود زمان خود باعث کلی‌گویی می‌شود. با یک نگاه گذرا می‌بینیم که مکان‌ها کلی و مبهم است. در ادبیات عامیانه بیشتر دورنمایه‌های داستان‌ها و قصه‌ها بر مبنای رعایت اصول اخلاقی است و به شیوه‌ی نوع زیستن اهمیتی داده نشده است. قصه‌ها و داستان‌های کلاسیک و به تبع آن داستان‌های عامیانه معمولاً از زاویه‌ی دید سوم‌شخص و دانای کل روایت می‌شوند. درواقع خبری از کشف لایه‌های درونی ذهن شخصیت نیست. در گذشته‌های نه‌چندان دور، مردم با قصه‌خوانی خو گرفته بودند که این نوع ادبی هدف اصلی‌اش سرگرمی و مشغول کردن شنوندگان خود بود و برای نقل در قهوه‌خانه‌ها و مجامع عمومی از آن استفاده می‌شد؛ یعنی گونه‌ای ادبی که مناسب و سازگار با زندگی جوامع همان دوران است. فرضیه‌های پژوهش این است که:

۱- بررسی و تحلیل عناصر داستانی در قصه امیرارسلان بر اساس نظریه ایان وات قابل انطباق است؛

۲- در قصه امیرارسلان، به کلیات و اخلاقیات زندگی‌اشخاص توجه شده است؛

۳- پی‌رنگ و طرح قصه امیرارسلان به صورت خطی گسترش یافته است.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است.

روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی است. پژوهشگر داده‌های پژوهشی خود را درباره‌ی بررسی و تحلیل عناصر داستانی در قصه امیرارسلان براساس نظریه‌ی ایان وات از بین منابع و اسناد جمع‌آوری کرده است. ابزار گردآوری داده‌ها، فیش‌برداری بوده است. محوریت این پژوهش بر روی متنی از ادبیات عامیانه ایران؛ یعنی قصه امیرارسلان به‌منظور رسیدن به هدف پژوهش است. دلیل انتخاب این نوع متن برای آن بوده است که پی ببریم که عناصر داستانی در ادبیات عامیانه ایران چه ویژگی‌هایی دارند و این داستان چه اندازه بر روند ملموس کردن زندگی مادی تأکید داشته است؟ چه عواملی در جهت تغییر نگرش به زندگی در ادبیات داستانی و عامیانه ایران نقش داشته‌اند؟

آفرینش هنری، عاملی برای برانگیختن تخیل و خلق یک اثر هنری و ادبی است. الهام توانایی و استعداد درک بی‌واسطه حقیقت بدون وجود دلایل منطقی است که تخیل هنرمند را برانگیخته می‌کند و موجب آفرینش ادبی می‌شود (بصیری، ۱۳۹۶: ۷۴). پرداختن به تحلیل ادبیات داستانی، شیوه‌ای نو را برای ما می‌گشاید که سبب آشنایی خواننده با این نوع ادبی می‌شود. ادبیات صرفاً مجموعه‌ای از واژگان آهنگینی نیست که خواننده از آن کسب لذت می‌کند؛ بلکه در لایه‌های زیرین همین واژگان آهنگین، شیوه‌های خوب زیستن، چگونگی حفظ و ترویج فرهنگ ملی-مذهبی، کارکردهای ادبیات در زندگی شخصی و جمعی در طول دوره‌های مختلف، ترویج اصول و ارزش‌های اخلاقی و معنوی در جامعه، چگونگی

مبارزه با پلیدی‌ها و بی‌عدالتی‌ها نهفته است. همین امر سبب می‌شود تا منتقدان به بررسی و تحلیل ادبیات پردازند. این کار از دو جهت حائز اهمیت است؛ یکی آنکه ما را به نوع چگونگی زیستن آشنا می‌کند و دیگر آنکه سبب می‌شود تا ما با نحوه زیستن گذشتگان و اطلاعات مربوط به زندگی آنان در گذشته آشنا شویم. به همین دلیل در این پژوهش به نقد و تحلیل عناصر داستانی در ادبیات داستانی و قصه می‌پردازیم.

نتیجه‌گیری

با بررسی عناصر داستان در امیرارسلان می‌توان نتیجه گرفت که قصه بیشتر بر عنصر داستان تأکید دارد؛ زیرا ابتدا به‌وسیله نقالان در قهوه‌خانه‌ها برای عموم نقل می‌شد و نقال برای بیان ادامه قصه و برانگیختن حس کنجکاوی در مخاطب به شرح حوادث و ماجراهایی می‌پرداخت که باعث عدم توجه به جزئیات می‌شد. همچنین توجه مفرط به اخذ نتایج اخلاقی و اینکه داستان می‌بایست بیش و پیش از هر چیز و به‌صورت ممکن حاوی نتایج و اغراض مذکور باشد؛ خود عاملی برای محدود ماندن تکنیک‌ها و عدم گسترش فضاهای داستانی در قصه است. به‌عبارت‌دیگر، درج نتایج مشخص اخلاقی و اندرزی (پندگونه) در داستان سبب شده است تا این‌گونه نتایج به‌جای اینکه از نفس داستان و از جریان طبیعی اعمال و رویدادها و چگونگی شخصیت‌های داستانی حاصل شود؛ به‌گونه‌ای صریح مطرح شده‌اند که در پرداختن به جزئیات، سطح کیفی پایینی دارد. توجه فراوان به حوادث برجسته نه‌تنها آن را هرچه بیشتر از واقعیات حیات که بهترین و بزرگ‌ترین منبع تغذیه داستان است؛ دور می‌کرد و در عمل نیز دست داستان‌پرداز را در شیوه‌های مربوط به تیپ‌آفرینی، توصیف، طراحی و... می‌بست. برای مثال همین شیوه‌های تیپ‌سازی سبب می‌شد تا داستان‌پرداز قالب‌های کلی و مشخصی برای اشخاص داستان در پیش‌رو داشته باشد و از ویژگی‌های سخی با خصایص دقیق اشخاص متمایل نشود. در مورد طرح داستان نیز توجه به کلیات سبب شده تا داستان در چهارچوب قالب‌های مشخص و محدود بیان شود و بیشتر حوادث برجسته و کلی مطرح شده است؛ بنابراین می‌توان گفت در گذشته داستان و داستان‌پردازی صرف‌نظر از نتایج اخلاقی آن، بیشتر برای تفنن و سرگرمی مخاطبان بوده است و پر واضح است که داستان‌پردازی به معنای دقیق امروزی که بسیار موردتوجه است و در زمره هنرهای متعالی قرار دارد. در گذشته چنین نبوده است. بی‌توجهی قصه به بُعد زمان و شرح کلی آن مثل سال، ماه و... باعث می‌شود که قصه‌ها به دوره خاصی متعلق نباشند. در نظر گرفتن مکان فرضی برای قصه و شرح کلی توصیفات در مورد زندگی مردم و طبقات و توصیف جنگ‌ها، تأثیرپذیری قصه از محیط را نشان می‌دهد؛ و در آخر ناگفته نماند که در ادبیات روایی منشور کهن، جایگاه زنان و نقش آن‌ها فقط با توصیفات کامل و جامع مردان، کمی در داستان نمود می‌یافت بهتر است بگوییم که نگاه به زن در این نوع داستان‌ها، نگاهی جنسی و عشقی است. در عناصر تصویری موجود در نسخه هزار و یک شب نیز زنان در رویکردی ابزاری ترسیم شده‌اند.

فهرست منابع

- اخوت، احمد. (۱۳۷۱). دستور زبان داستان، اصفهان: نشر فردا.
- ایرانی، ناصر. (۱۳۹۴). هنر رمان، تهران: آسیم و فرهنگ نشر نو.
- بصیری، مریم. (۱۳۹۶). فرآیند شکل‌گیری داستان در ادبیات داستانی و دراماتیک، تهران: امیرکبیر.
- داد، سیما. (۱۳۸۳). فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ هفتم، تهران: مروارید.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۹). صور خیال در شعر فارسی، چاپ پانزدهم، تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۹). انواع ادبی، تهران: میترا.
- طسوجی، عبداللطیف. (۱۳۹۰). هزار و یک‌شب با مقدمه علی‌اصغر حکمت، تهران: بهزاد.
- عابدی، داریوش. (۱۳۸۵). پلی به سوی داستان‌نویسی، چاپ پنجم، تهران: مدرسه.
- فورستر، ادوارد مورگان. (۱۳۸۴). جنبه‌های رمان، ترجمه ابراهیم یونسی، چاپ پنجم، تهران: نگاه.
- محبوب، محمدجعفر. (۱۳۸۲). "مجموعه مقالات درباره افسانه‌ها و آداب‌ورسوم مردم ایران" به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران: فروزان.
- مندنی‌پور، شهریار. (۱۳۸۹). ارواح شهرزاد، تهران: ققنوس.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۸۵). عناصر داستان، چاپ چهارم، تهران: سخن.
- _____. (۱۳۸۶). ادبیات داستانی، چاپ چهارم، تهران: سخن.
- نایب، دیمین. (۱۳۸۸). خلق داستان کوتاه ترجمه آراز بارسقیان، تهران: افراز.
- وات، ایان. (۱۳۸۶). «طلوع رمان»، نظریه‌های رمان، ترجمه حسین پاینده، تهران: نیلوفر.
- ولک، رنه. (۱۳۷۳). نظریه ادبیات، ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر، تهران: علمی-فرهنگی.
- یونسی، ابراهیم. (۱۳۸۸). هنر داستان‌نویسی، چاپ دهم، تهران: نگاه.